

تاریخ دریافت : ۹۴/۰۶/۲۹

تاریخ پذیرش : ۹۴/۱۱/۲۰

بازشناسی فرم معماری آرامگاه «غازان» در مجموعه ابواب البریِ غزانیه و نقش آن در روند تحولات شهرسازیِ ایرانی

امین مرادی*
سید رسول موسوی حاجی**
بهروز عمرانی***

چکیده

صرفنظر از ویرانی و تخریب بخشی از شهرهای ایران در ابتدای هجوم مغول، سیمای شهرسازی سایر بخش‌های ایران، خصوصاً آذربایجان، نه تنها شاهد ویرانی و تجزیه بافت شهری نیست، بلکه از همان ابتدا ایلخانان را متوجه به شهر و آبادگری معرفی می‌کند. بیشک دین ثابت کرده است که یکی از مؤثرترین و تواناترین نیروهای وحدت‌بخش در حیات حکومت‌هاست. اشراف کامل مغول بر این موضوع، ضمن ایجاد شهرک‌هایی با مرکزیت آرسن مذهبی در خارج از محدوده شهری، ضمن جلوگیری از گسترش بی‌رویه هسته مرکزی کهن شهر، مانع از فجایع انسانی ناشی از آن شده است. طی این دوره، در پی ظهور شخصیت غازان و ذهنیت متفاوت وی در رابطه با اسلام و تغییر سنت پنهان‌سازی موقعیت مکانی مقبره ایلخان، شهرسازی ایلخانی، آغازگر سبک نوینی از مجموعه‌سازی با مرکزیت عناصر مذهبی و مشخصه بارز هم‌اندیشی نسبت به فضاهای کالبدی شهر و مقتضیات اجتماعی را در خود بروز می‌دهد که تا آن زمان بی‌سابقه بوده است. طراحی و ساخت مجموعه معماری «غازانیه» با نام ملی «ابواب البر» را باید از نخستین نتایج به دست آمده در زمینه مزبور دانست که نگارندگان فرایند طرح‌ریزی و اجرای آن را از نخستین چالش‌های شهرسازی ایرانی در زمینه اسکان به جهت تنظیم جمعیت شهری می‌دانند. از آنجایی که بازشناسی فرم معماری آرامگاه غازان کهن‌ترین نمونه تدفینی مغول در ابعاد بسیار بزرگ با توجه به تغییر نگرش نسبت به سنت تدفین ایلخانی همواره در حاله‌ای از ابهام قرار داشته، تحقیق پیش رو بر آن است که به روش تحلیل محتوایی متون به تبیین ویژگی‌های شهری مجتمع غزانیه و بازآفرینی فرم آرامگاه غازان بپردازد؛ زیرا مطالعه ساختار فضایی «شام غازان»، نخستین نمونه موجود در تاریخ شهرسازی ایرانی از نوع مذکور، بسیار حایز اهمیت است. در این زمینه، با فرض بر تداوم الگوی مشابه معماری در سنت مقبره‌سازی شمال‌غرب ایران پیرامون بازه زمانی مذکور، پرسش اصلی تحقیق پیش رو، ابعاد و تناسبات معماری مقبره غازان در مجتمع تدفینی وی خواهد بود. پیرو نتایج به دست آمده، برخلاف ذهنیت موجود، طرح مقبره غازان نه یک منشور دوازده‌وجهی، بلکه، همانند اکثر مقبره‌های تدفینی ایلخانی موجود در آذربایجان، استوانه حجیم گنبدداری است که تناسبات معماری آن با نمونه‌های شاخص مشابه، از جمله مقبره سلطان محمد خدابنده در سلطانیه هم به لحاظ تناسبات و هم به لحاظ ساختار فضایی قابل انطباق است.

واژگان کلیدی

ابواب البر، غزانیه، اسناد تاریخی، عصر ایلخانی، منطقه آذربایجان.

* پژوهشگر دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران. نویسنده مسئول ۹۴۹۷۲-۹۱۲۴۰. Aminnoradi66@yahoo.com
** دکتری باستان‌شناسی، دانشیار گروه آموزشی باستان‌شناسی دانشگاه مازندران. Seyyed_rasool@yahoo.com

*** دکتری باستان‌شناسی، عضو هیئت‌علمی پژوهشکده سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری. Parva_8@yahoo.com

مقدمه

هرچند مغولان بیشتر به سبب قدرت نظامی‌شان مطرح می‌شوند، با این حال موارث مغول در هنر و معماری متعدداست (هال، ۱۳۹۱: ۱۲۴). قدرت‌گیری غازان از هر نظر دوران جدیدی را در تاریخ ایلخانی رقم زده است (رضوی، ۱۳۸۸: ۲۵۴)، تا جایی که شکل‌گیری شهرک غازانیه در تبریز را باید نقطه عطفی در شهرسازی ایرانی به حساب آورد (علی اصل و یوسفی فر، ۱۳۹۰).

غازانیه به هنگامی شکل می‌گیرد که نظام شهری کشور در جهت تمرکزگرایی در حال تحول است. از طرفی شرایط دشوار و نامناسب حاصل از عواقب جنگ، موجب سرعت در روند مهاجرت روستاییان به شهرها شده بود (عون‌اللهی، ۱۳۸۹: ۹۹). از این رو تمرکز بالای جمعیت و امکانات شهری در مراکز شهری بزرگ، ضمن از بین رفتن نظام متعادل سلسله‌مراتب شهری، از مهم‌ترین مشکلات شهرهای اسلامی قبل از دوره ایلخانان است. به نظر می‌رسد، رشد تبریز در قالب "نخست شهر" ایلخانی، ضمن انباشت امکانات و تسهیلات مختلف در پهنه سرزمینی، منجر به اسکان بیشترین جمعیت در خود شده و در نتیجه باعث نابودی توسعه اقتصادی و اجتماعی شهرهای کوچک و نواحی اطراف خود شده است (قنبری و حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۴: ۲). جهت ترفیع مشکل مزبور طی دوره ایلخانی، سه ناحیه متمایز به هم پیوسته، با محوریت مجموعه‌های معماری عظیم عام‌المنفعه، شامل: کهن شهر با مرکزیت ارک علیشاه ناحیه مسکونی توده‌های رعایا، صنعت گران، بازاریان و مرکز اصلی صنعت، تجارت و مرکز ثقل شبکه بازارهای شرقی قلمرو ایلخانان غازانیه، اقامتگاه سلطنتی خان مغول، و رشیدیه با اهداف علمی فرهنگی احداث شده بودند (آجورلو، ۱۳۹۳)؛ از این منظر چنین به نظر می‌رسد، شکل‌گیری شهرک غازانیه در تبریز از نخستین چالش‌های شهرسازی قرون میانه ایران جهت تبدیل الگوی شهری کهکشانی به الگوی شهری زنجیره‌ای^۱ بوده است. زیرا ضمن توزیع امکانات و عوامل جاذب جمعیت شهری در این شهرک، انگیزه استقرار در آن افزایش و زمینه رشد جمعیت در تبریز [پایتخت جهان اسلام] فراهم شده است.

در رابطه با مقابر دوره اسلامی، شأن والایی که مقبره از همراهی با بنیادهای وابسته به دست می‌آورد، بر این امر دلالت داشت که عملکرد آن صرفاً به مکانی برای تدفین یا یادبود محدود نمی‌شد (هیلن‌براند، ۱۳۹۱: ۲۵۸). از این منظر، غازانیه جنبش ناگهانی ساختمانی ایلخانی به مرکزیت مقبره بانی آن است که در راستای رفع نیازهای حیاتی شهر و تثبیت هویت آن به وجود آمده بود. از آنجایی که مطالعه تاریخ معماری و شهرسازی در طول دوران اسلامی ایران، با رویکرد تحلیل متون تاریخی، از زمینه‌های مطالعاتی مورد

توجه در این زمینه است، مطالعه فرم معماری مقبره غازان و تبیین وجوه مختلف آن در مجموعه "شام غازان" را می‌توان یکی از مهم‌ترین اهداف باستان‌شناسی دوران اسلامی به شمار آورد.

بیشینه تحقیق

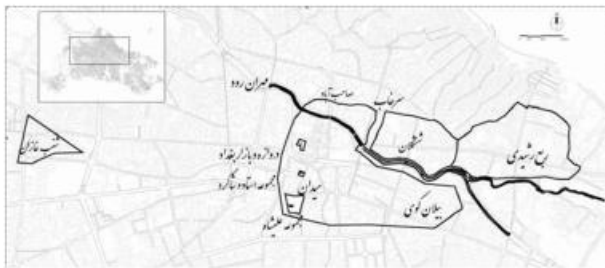
در حوزه مطالعاتی معماری و شهرسازی دوره ایلخانی، شناسایی سازمان فضایی "شام غازان" و فرم معماری "آرامگاه غازان" کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هرچند مطالعات بسیار ارزشمند ویلبر، در اثر مبسوط خود با محوریت معماری اسلامی در دوره ایلخانان، در راستای شناسایی ساختار مقبره غازان، در نوع خود اولین گام است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۳۵)، با این حال محدودیت مطالعات وی در زمینه منابع مکتوب تاریخی و عدم تفسیر مناسب داده‌های تاریخی، خصوصاً گزارشات پر ایهام رشیدالدین فضل‌الله در رابطه با فضای معماری غازانیه، مبنی بر اینکه «...[غازانیه]... عمارت گنبد عالی و ابواب البر که در دوازده وجه آن است» (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۳۷۵)، بدون ایراد توضیحات خاص، طرح گنبد غازان را دوازده‌وجهی منتظم با گنبدی مرتفع متصور شده است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۳۶). این در حالی است که در ادبیات نگارشی رشیدالدین، کاربری‌های وقفی دوازده‌گانه اطراف گنبد، پیرامون ضمیر اشاره "آن" شکل گرفته است که گنبد عالی را مخاطب قرار می‌دهد. بعدها بلر و بلوم، ضمن موثق قرار دادن گزارشات ویلبر، طرح مقبره غازان را بنای دوازده‌وجهی مرتفعی معرفی کرده‌اند (بلر و بلوم، ۱۳۸۸: ۷). هرچند با الهام از توصیفات فضل‌الله همدانی در تاریخ مبارک غازانی (فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۸: ۱۳۱، ۱۶۰، ۱۷۳، ۲۰۸، ۲۰۶) و توضیحات ویلبر (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۳۵)، مطالعات پرفسور غیثی در رابطه با شهرک غازانیه، علاوه بر تبیین ویژگی‌های جامع شهری، از جمله طرح از پیش تعیین‌شده، منتهی به ارایه طرح فرضی مجتمع تدفینی غازان براساس روایات تاریخی شده است؛ با این حال تحلیل روشنی از تناسبات معماری و ابعاد آرامگاه به دست نمی‌دهد (Giyasi, 1985: 1-41; 1997). علاوه بر آن، مطالعات صورت گرفته در سال‌های اخیر پیرامون سازمان فضایی شهرهای "ابواب البری" دوره ایلخانی، ضمن مرجع قرار دادن نتایج تحقیقاتی پیشین، تنها به معرفی اجمالی جوانب کلی و توضیح واضحات در رابطه با مجموعه مذکور پرداخته و به هیچ تفسیر جدیدی در زمینه شناسایی فرم مقبره غازان نایل نمی‌شود (ن.ک. بلالی اسکویی و دیگران، ۱۳۹۱؛ شکاری نیری، ۱۳۸۴؛ علی اصل و دیگران، ۱۳۹۰). آخرین

اندیشه زیستن در تنگنای فضای شهری را به سر نمی دهند (داماساسی، ۱۳۸۳: ۲۶۲).

مشخصات شهری غازانیه در متون تاریخی به نظر می رسد، آغاز عملیات شهرسازی در غازانیه قبل از غازان، توسط پدر او ارغون آغاز و بعدها توسط پسر پیگیری شده است.

رشیدالدین در این باره می نویسد: «... ارغون به کار عمارات عظیم مایل بود و در موضع "شم" تبریز شهری معظم بنیاد کرد. وی برای رونق گرفتن این منطقه، مردم را برای بنای خانه در آنجا تشویق کرد...» (فضل الله همدانی، ۱۳۷۳: ۱۱۷۳) و در جای دیگر می نویسد: «... ارغون خود نیز خانه های عالی در "شام" اساس افکند» (همان: ۱۱۷).

مستوفی قزوینی موقعیت مکانی غازانیه را چنین شرح می دهد: «... تبریز، در زیر شهر به موضعی که شام خوانند خارج باروی غازانی، غازان خان شهرچه ای برآورده است...» (مستوفی قزوینی، ۱۳۳۴: ۸۵). رشیدالدین انگیزه اصلی ساخت و ساز در غازانیه را دوراندیشی در باب نظارت و کنترل جمعیت شهری می داند، چرا که نقش تجاری تبریز و مهاجرت های منطقه ای و بین المللی حیات



تصویر ۱. موقعیت مکانی شهرک "شام غازان" نسبت به بافت تاریخی شهر تبریز و ربع رشیدی. مأخذ: نگارندگان: ۱۳۹۵.

شهری آن را همواره تحت تأثیر قرار می داد. تا بدین وسیله در صورت ازدیاد جمعیت، مردم مجبور نشوند ساختمان های چندطبقه با کوچه های تنگ و باریک بسازند. چه بسا ازدحام جمعیت در بافت متراکم شهری معضلات بهداشتی پدید آورده و سلامتی افراد را تهدید میکرد و این امر به تجربه ثابت شده بود: «... چه مجرب است که بعضی شهرها که خدای تعالی آن را دولتی می دهد و آبادانی می شود به واسطه کثرت، جای بر مردم تنگ شود، دو سه طبقه عمارت بر هم نهند و کوچه ها تنگ و بلند دیوار شود و هوای متعفن بدان سبب ظاهر شود و رنجوری های متنوع پدید آید و دگر بار خراب شود مانند شهر خوارزم» (فضل الله همدانی، ۱۳۷۳). همچنین بیم پیش آمد زمین لرزه به مردم تبریز آموخته بود

نتایج به دست آمده پیرامون موضوع مجتمع غازانیه، توسط دکتر بهرام آجورلو، با محوریت تحلیل متون تاریخی، محدود بر معرفی کاربری های غازانیه و ارتباط فضایی آن با دیگر مراکز شهری تبریز دوره ایلخانی، از جمله رشیدیه و هسته قدیمی شهر با مرکزیت ارک علیشاه بوده و منجر به رهیافت جدیدی در رابطه با فرم معماری مقبره و ساختار فیزیکی شهرک غازانیه نمی شود (ن.ک. آجورلو، ۱۳۹۳). در همین راستا، تحقیق پیش رو اولین گام پیرامون مطالعه و معرفی ابعاد و تناسب معماری "آرامگاه غازان" خواهد بود.

وجه تسمیه و قابلیت های منطقه ای غازانیه در جذب ایلخانان فضل الله همدانی می نویسد «... و در خارج شهر و در جانب غربی تبریز در موضع "شام"، خویشان [غازان خان] طرح کشیده و آن را بنا نهاده است» (فضل الله همدانی، ۱۳۷۳: ۹۹۷). آن را "شام" نیز گویند، که "ابواب البر" بنا فرموده چنان که "ابواب البر" و اکثر باغات آن محیط است و آن را "غازانیه" نام نهاد (فضل الله همدانی، ۱۳۷۳: ۱۳۷۴). در رابطه با وجه تسمیه "شام غازان" چنین آمده است: «... شنب بر وزن خنب، به معنی گنبد است. ... [غازانیه] نام گنبد غازان در تبریز که سلطان محمود غازان ساخته، ارتفاعش یک صد و بیست گز و قطرش شصت گز که اکنون خراب است» (محمد پادشاه، ۱۳۳۶: ۲۶).

مرحوم یحیی ذکاء درباره "شام" می نویسد: در زبان مغولی "شام" به معنی مزار است. از سوی دیگر در زبان مردم آذربایجان واژه ای به شکل (شام) هست که به زمین های مسطح و علفزارهای کرانه رودخانه و دریاچه ها گفته می شود (ذکاء، ۱۳۶۸: ۲۰۱). این در حالی است که ریشه یابی واژه شام "SHAM" در واژگان مغولی صحیح به نظر می رسد، چه آنکه، یام (YAM) - محل اسکان مسافران بین راهی و چاپارخانه مغولی - دام "DAM" - محل پناه گرفتن و سرپناه برای زندگی همگی ساختارهای مشابه مغولی مورد استعمال در زبان ساکنان آذربایجان است (حسین زاده، ۱۳۸۸: ۳۷۲). از آنجایی که مشخصه کلی صحراگردی علف بوده است، سکونت مغولان در یک شهر علی القاعده باید نشان از وجود مرغزارهای قابل توجه در آن باشد (پطروشفسکی، ۱۳۸۹: ۴۶۲) زیرا گله داری اساس فعالیت های اقتصادی مغول را تشکیل می داد (تسوف، ۱۳۸۸: ۶۲)؛ در همین راستا، رشیدالدین پیوسته از مرغزار شام یاد کرده است (فضل الله همدانی، ۱۳۷۳: ۹۱۶). این دو "آب و علف" مهم ترین عناصر برای کوچ نشینان و مردم چادر نشین است. ایشان در پی آنند که در نزدیکی مناطق شهری اقامتگاهی برای خود ببینند، زیرا آنان [مغولان] هرگز

قابل توجه است. نادر میرزا می‌نویسد: «... در سال ۱۲۸۶ ه.ق از ویرانه‌های این بنا [غازانیه] دیدن کردم. ... هزاران آجر و کاشی سالم و سنگ‌های شگاف و منقوش و دو ستون سالم کنده‌کاری شده ... از پیرمردی پرسیدم چرا از این همه آجر کسی استفاده نمی‌کند؟ گفت چون "وقف" است. علما حرام می‌دانند...»^۴ (نادر میرزا، ۱۳۷۳: ۱۱۲). از این رو هرگونه دخل و تصرف در بافت غازانیه خلاف شرع بوده است.

عموماً در آداب و رسوم مغول به روایات متعددی برمی‌خوریم که مبنی بر تمایل جامعهٔ عشیره‌ای به نگهداری، حفظ پاکی و اصالت روابط خونی اعضای آنان بوده است. به پیروی از همین آداب و رسوم، اشخاصی که اصل و نسبشان را متفاوت می‌دیدند خود را از قبیله جدا ساخته و مجبور به تأسیس نکتهٔ اسکان دیگری بودند (ولاد میر تسوف، ۱۳۸۸: ۸۷). بدین ترتیب، انزوای جغرافیایی شهرک غازانیه در جانب غربی تبریز قابل توضیح خواهد بود.

مشخصات معماری مجموعهٔ غازانیه براساس منابع تاریخی و صاف تاریخ شروع بنای شام غازان را ۶۹۷ ه.ق و تاریخ اتمام آن را ۷۰۲ ه.ق ذکر می‌کند و بدین ترتیب یک سال در بیان تاریخ شروع ساخت و ساز در غازانیه، با رشیدالدین فضل‌الله همدانی که آن را به سال ۶۹۶ ه.ق آورده اختلاف دارد (ن. ک. و صاف، ۱۳۷۲: ۳۸۲ و رشیدالدین، ۱۳۷۳: ۹۳۳). غازان به مهندسان و ناظران چنین تفهیم کرده بود که گنبد مقبره، باید بالاتر از گنبد مقبره سلطان سنجر بنا شود، یعنی

تا خانه‌های خود را کوتاه‌تر بسازند (موریه، ۱۳۸۹: ۲۷۸). از این رو عدم مرتفع‌سازی در بناها، ضمن اینکه خط آسمان را کوتاه‌تر می‌ساخته، صدمات ناشی از وقوع زمین‌لرزه را تقلیل و گسترش بی‌رویه افقی شهر را در پی داشته است (تصویر ۱). هرچند رشیدالدین، عناصر اصلی فضایی و کالبدی "ابواب البر" غازانیه را اساساً الهام گرفته از اماکن متبرکه می‌داند^۴ (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳: ۹۹۷) اما این پدیدهٔ معماری خالی از شیوهٔ زندگی چادرنشینی ایلخانان نبود، زیرا مغولان برحسب عادت در جابه‌جایی‌ها و کوچ‌ها، کاروان‌هایی موسوم به «اردو» تشکیل می‌دادند که به یک هنگام در یک محل اجتماع می‌کردند و رشیدالدین آن را به مغولی «کوریان»، به معنی حلقه، آورده است (ن. ک. همدانی، ۱۳۵۸: ۱۷۵). هر کوریان خود از اجتماع عده‌ای خانوار صحرانشین که "ائیل" نامیده می‌شدند تشکیل می‌شد (تسوف، ۱۳۸۸: ۶۳). از گفته رشیدالدین چنین مستفاد می‌شود که یک کوریان از تعداد زیادی اراکه تشکیل می‌شد که دایره‌وار و به شکل حلقه اردو می‌زدند و مستقر می‌شدند (همان). از این منظر اگر غازانیه یک کوریان مغولی با سازه‌ای دائمی در منطقهٔ "شام" فرض شود، مقبرهٔ غازان عنصر مرکزی آن خواهد بود (تصویر ۲) و این ساختار با سنت کوچ روی مغول در رابطه با فرم کوریان‌ها کاملاً منطبق خواهد بود^۵.

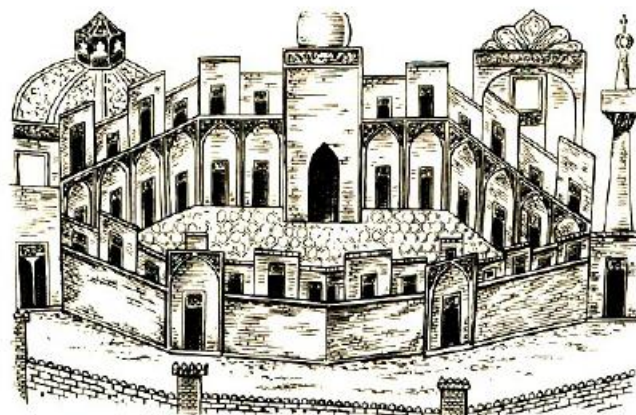
عدم تجزیهٔ بافت شهری غازانیه تا سال ۱۳۴۶ پیرامون یک هستهٔ مرکزی، همچنین نحوهٔ پراکنش دایره‌وار بخشی از ساختمان‌های امروزی محله "شام غازان" با توجه به تعریف واژهٔ "وقف"



تصویر ۲. چپ: تصویر هوایی سال ۱۳۴۶ از منطقهٔ غازانیه (سازمان نقشه‌برداری کشور). راست: بافت امروزی محلهٔ غازانیه که به صورت دایره‌وار پیرامون میدان اصلی محلهٔ غازانیه که احتمالاً محل مقبره غازان است شکل گرفته است. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵.



تصویر ۳. راست: طرحی از شام غازان براساس مینیاتور زمان رشیدالدین (از کتاب باغها و پارکهای آذربایجان). مأخذ: شکاری نیری، ۱۳۸۴.



چپ: مینیاتوری از شام غازان برگرفته از جامع التواریخ رشیدی. مأخذ: Paskaleva, 2012.

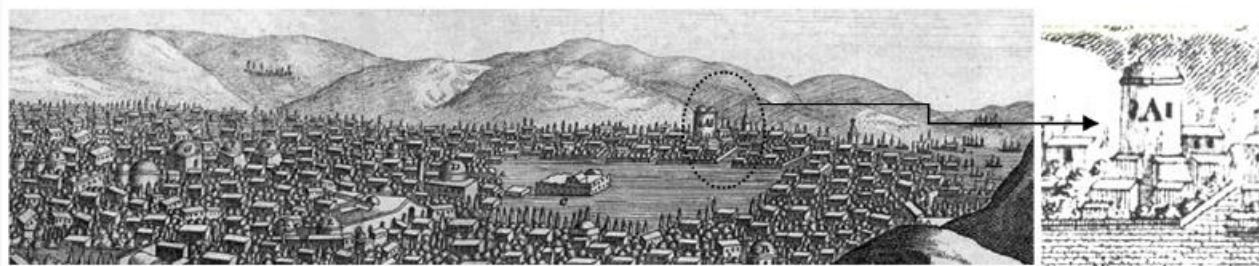
(اولیا چلبی، ۱۳۳۸: ۴۲).

غازان به مذهب اسلام در آمده بود و ابتدا تصمیم نداشت که عدول کند، زیرا معتقد بود که برای سلطنت در کشوری مسلمان باید به مذاهب اهالی آن کشور درآمد (گروسه، ۱۳۸۸: ۶۲۰-۶۱۹). با این حال چنین به نظر می‌رسد که احداث دوازده کاربری پیرامون مقبره توسط غازان، موضوع تمایل وی به مذهب تشیع و اشاره به تعداد امامان شیعه را تداعی کند (خواند میر، ۱۳۳۳: ۱۸۸). کاری درباره آرامگاه غازان این چنین می‌نویسد: «... روز شنبه به تماشای برج شام غازان رفتیم، بلندی این برج ۲۰۰ پا و قطر آن ۴۰ پاست. ضخامت دیوارهای آن که در بعضی جاها رو به ویرانی رفته است تا ۱۲ پا می‌رسد (کاری، ۱۳۴۹: ۷۸). تاورنیه ضمن بازدید از بقایای غزانیه قطر محور آن را ۵۰ پا ذکر می‌کند (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۷۱) و شاردن می‌نویسد: «... از مقبره غزانیه امروز فقط یک مناره بلند شکسته باقی مانده که مناره غزانیه خان نامیده می‌شود» (شاردن، ۱۳۴۹: ۲۹۰)؛ (تصویر ۴) ویلبر ضمن بازدید از محوطه، در جهت تلاش برای انطباق طرح کلی مجموعه و فرم آرامگاه، ساختار مقبره غزانیه را منشور دوازده‌وجهی متصور شده است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۳۷). با این حال اولناریوس و کاتب چلبی ضمن بررسی نقش استراتژیک غزانیه در راستای اسکان سربازان اردوی عثمانی، متذکر حجم استوانه‌ای غزانیه و بیان شباهت‌های ظاهری آن

بلندترین گنبد در زمان او باشد^۶ (همدانی، ۱۳۷۳: ۹۹۷) رشیدالدین وجه عمارت شام غازان را چنین توصیف کرده است: «... عمارت گنبد عالی و "ابواب البر" که در دوازده ضلع آن است» (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳: ۱۳۷۸) علاوه بر آرامگاه، رشیدالدین سایر تأسیسات معماری مجموعه غزانیه را این چنین برمی‌شمرد:

«... ۱. مسجد جامع، ۲ و ۳. مدارس شافعیه و حنفیه، ۴. خانقاه، ۵. دارالسیاده، ۶. رصد، ۷. دارالشفاء، ۸. بیت الکتب، ۹. بیت القانون، ۱۰. بیت المتولی، ۱۱. حوضخانه، ۱۲. گرمابه سبیل» (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳: ۱۳۷۸)؛ (تصویر ۳).

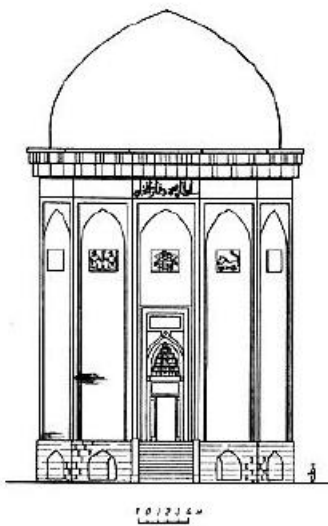
اولیا چلبی در وصف عناصر معماری مجموعه غزانیه چنین آورده است: «... عمارات معظم غزانی در مرکز شنب غازان چشم‌ها را خیره می‌سازد. گنبد آن چنان بلند است که سر گنبد به آسمان‌ها می‌خورد ... یک سمت آن مسجدی است ... در سمت دیگرش خانقاهی ... در سمتی مدرسه‌ها ... و در سمتی دیگر قصری است با بوستانش ... رصدخانه در سمتی ... و کتابخانه و بیت‌القانون و بیت‌المتولی در سمتی دیگر حمام بزرگ پر است از مسافرانی که تازه از راه رسیده‌اند. دارالسیاده مسکن سیدهای اصالت‌دار است ... دارالشفاء از مجهزترین مریض‌خانه‌هاست و دیگر بناهای خیریه که با نظم خاصی دور تا دور مقبره را در مرکز شنب غازان گرفته‌اند ...»



تصویر ۴. بافت تاریخی تبریز و موقعیت قرارگیری غزانیه آن گونه که شاردن دیده است. مأخذ: ذکاء، ۱۳۶۸: ۵۱.

و در این زمینه باید تنها به توضیحات اولیاء چلبی، مبنی بر دوازده وجه بودن فضای داخل مقبره اکتفا کرد و نه خود مقبره (ن. ک. اولیاء چلبی، ۱۳۳۸: ۴۲). از طرفی، طرح ارایه شده در مینیاتور جامع التواریخ، همچنین نقشه ترسیمی دارالحکومه تبریز در قرن ۱۰ ق. توسط مطراقچی^۵ و گراور ارایه شده توسط شاردن، همگی نشان‌دهنده حجم هندسی عظیمی است که در یک دید روبرو، فاقد هرگونه زاویه‌بندی یا شکستی در گوشه‌هاست که در تعریف هندسی سایر بناها و حجم‌ها اتفاق افتاده است (تصویر ۶). به این صورت، نباید مهارت هنرمند در ارایه

به برج گالاتای استانبول شده‌اند (ن. ک. بهرامی، ۱۳۶۵: ۶۶). (تصویر ۵) و صاف جریان ساختمان‌سازی در غازانیه را چنین توضیح می‌دهد: «... چون دایره بنا مقداری از زمین بالا آمد، دیواری از آجر بر روی آن بساختند؛ ... بلندی قبه صد و سی گز و طول دیوار هشتاد گز... و کتیبه و شرفات قبه، ده گز و طاس قبه چهل گز بود... در اطراف آن که دوازده ضلع داشت دوازده بنا برپا داشتند...» (وصاف، ۱۳۷۲: ۲۲۹-۳۰). هرچند رشیدالدین تأکید بر شکل‌گیری مجموعه در دوازده وجه می‌کند (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۳۷۸)، با این حال هیچ توضیحی در رابطه با کالبد آرامگاه ارایه نداده



تصویر ۵. چپ: طرح ارایه شده توسط ویلبر از آرامگاه غازان. مأخذ: ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۳۰ - راست: برج گالاتای در استانبول. مأخذ: نگارندگان: ۱۳۹۵.



تصویر ۶. راست: طرح ارایه شده در گراور شاردن ۱۹۶۰ م. (ذکاء، ۱۳۶۸: ۵۱) وسط: بقایای غازانیه در نقشه دارالحکومه تبریز که توسط مطراقچی ترسیم شده است. قرن ۱۰ ق. (مطراقچی، ۱۳۷۹: ۸۷)؛ چپ: طرحی از غازانیه در جامع التواریخ رشیدالدین (ن. ک. شکاری نیری، ۱۳۸۴).

۳۲/۷۵ متر بنا شده است و اندازه قطر داخلی آرامگاه ۲۰ متر است. با فرض بر صحت اندازه های ارایه شده توسط وصاف (۲۰ در ۴۲/۵) نسبت عرض به ارتفاع بنا در آرامگاه غازان ۱:۲/۱ خواهد بود که از این نظر با تناسب ارایه شده در ساختار مقبره سلطان سنجر در مرو (حدوداً ۱:۲) که غازان قبل از احداث بنا آن را دیده بود (ن. ک. همدانی، ۱۳۷۳: ۹۹۷) و سلطانیه (۱/۲:۲) هماهنگ خواهد بود (هیلن براند، ۱۳۹۱: ۲۸۱).

بحث پیرامون طرح فرضی "ابواب البر" غزانیه براساس اسناد و مدارک تاریخی

از آنجایی که سه عامل فرهنگ، اقتصاد و اقلیم، مشخصات کالبدی و مورفولوژی مناطق شهری را به وجود می آورند (زیاری، ۱۳۸۸)؛ فرهنگ ایلخانی به تبعیت از ساختار "کوربان" چیدمان فضایی شهرک غزانیه، مبنی بر هسته مرکزی و کاربری های اطراف را به وجود آورده است. زندگی مبتنی بر اقتصاد و تجارت بین المللی، انگیزه ایجاد آن در یک محیط پرتوان تجاری، همچون شمال غرب ایران و پایتختی تبریز را الزام آور ساخته و اقلیم آذربایجان، قرارگیری حجم عظیم بنا بر روی صغه و ازاره های سنگی را بر آن تحمیل کرده است.

اکثر محققان را فرض بر این بوده که فرم معماری کهن ترین مقبره ایلخانی، با تغییر نگرش جامعه مزبور به سنت تدفین و علاقه ایشان به شیعه دوازده امامی، یک دوازده وجهی منظم است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۳۵؛ بلر و بلوم، ۱۳۸۸: ۷؛ شکاری نیری، ۱۳۸۴؛ علی اصل و دیگران، ۱۳۹۰)؛ هرچند توصیفات رشیدالدین در نتیجه گیری محققان مزبور بی تأثیر نبوده است؛ با این حال توضیحات وی مبنی بر شکل گیری "ابواب البر" [کاربری های وقفی] در دوازده وجه گنبد عالی [مقبره] است و نه خود آرامگاه (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۳۷۵). در طرح ارایه شده توسط پرفسور جعفر اولغو غیائی، غزانیه شامل بنای مسلط مرکزی است که ساختار آن بر روی صغه ای چهاروجهی شکل گرفته و بدنه اصلی مقبره با طرح دوازده وجهی توسط تاق نماهایی تزیین یافته و به گنبد عالی ختم شده است (Giyasi, 1997: 1-41)؛ با این حال، مطابق توصیفات وصاف نزدیک ترین مورخ به بازه زمانی ساخت غزانیه آنچه از سطح زمین آغاز می شود و مقداری بالا می آید [صغه] و سپس دیواری آجری بر روی آن قرار می گیرد، شامل حجم هندسی دایره است نه چهارگوش (وصاف، ۱۳۷۲: ۲۹۹). از طرفی مطابق مینیاتور جامع التواریخ، سطح مقبره فاقد هرگونه تزیینات تاق نما و مشابه آن است. فرم ساختاری فضاهای وقفی دوازده گانه در طرح پرفسور غیائی شامل پلان دوازده وجهی است که چهار دروازه در جهات اصلی آن قرار دارد و نمای اصلی محوطه داخلی، شامل حجره هایی در

فضاهای چندبندی با زوایای مختلف که در دیگر بخش ها نمایان است را نادیده گرفت. این امر به خصوص در مینیاتور ارایه شده در جامع التواریخ (تصویر ۶ چپ) با اجتناب از هر گونه زاویه سازی در یک نمای نزدیک در بدنه آرامگاه نمایان تر است. پرواضح است تنها مکعب و استوانه از یک نمای روبرو دارای چنین قابلیتی خواهد بود، نه منشور دوازده وجهی. وصاف در روند شکل گیری آرامگاه، متذکر مرحله ای از ساخت و ساز است که طی آن پس از اجرای دایره گنبد، دیواری آجری بر روی آن قرار داده می شود (ن. ک. وصاف، ۱۳۷۲: ۲۹۹). به نظر می رسد، این طرز بیان، که نشان دهنده وقفه ای در کار است، تفکیک عملیات ساختمانی پس از اجرای دایره گنبد و ادامه آن در مرحله بعد بیانگر تغییر مواد و مصالح در اجرای پروژه غزانیه در دوفاز متفاوت بوده است، زیرا در اقلیم سرد آذربایجان، کلیه بناهای ایجاد شده در قالب سبک های مختلف معماری، حتی بناهای مربوط به سده اخیر تا اواخر دوران پهلوی، همگی دارای صغه و ازاره های سنگی به جهت جلوگیری از نفوذ رطوبت صعودی به کالبد بنا و ایجاد یخ زدگی و فرسایش در آن هستند. از این منظر، طرح آرامگاه غزانیه با سازه ای استوانه ای شکل و صغه ای سنگی، یادآور گونه های مشابه ایلخانی، همانند مقبره شیخ حیدر در خیابو (مشکین شهر)، مقبره بردع توربسی در شمال رود ارس و در ناحیه قراباغ و برج میر خاتون سلماس خواهد بود (جدول ۱). هرچند به طور قطع نمی توان رابطه ای بین پلان مدور و آرامگاه های ایلخانی تعیین کرد، با این حال، به نظر می رسد فرم مدور، نماد حرکت همیشگی و عدم ثبوت با شالوده زندگی صحرانوردی مغولان در ارتباط باشد (Pashaei & Omrani, 2013)؛ زیرا مغول را "دسته ساکن در ارایه های نمدی" نامیده اند که ایشان از محلی به محل دیگر می روند. امروز راه می روند، فردا ساکن اند و در آنجا که آب و علف وجود دارد توقف می کنند (تسوف، ۱۳۸۸: ۵۷).

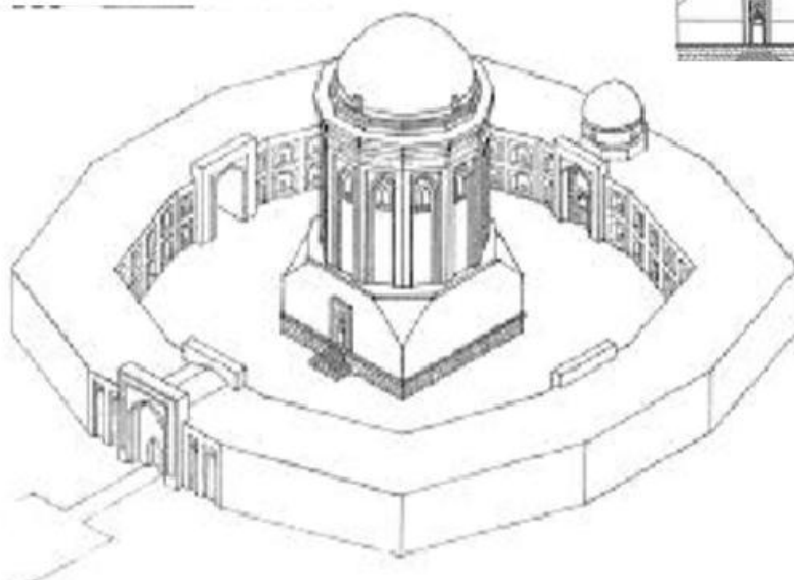
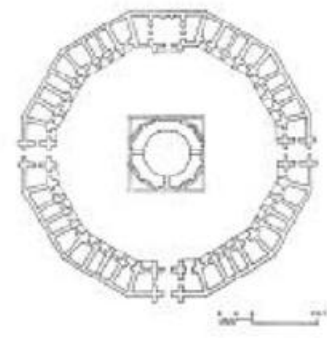
هر چند تناقضاتی در ابعاد ارایه شده از سوی جهانگردان مختلف مشهود است، با این حال تبدیل واحدهای ارایه شده از سوی وصاف به مقیاس امروزی منطقی تر به نظر می رسد؛ زیرا وی در شرح مقبره اولجایتو این چنین ذکر می کند که قطر گنبد آن ۱۰۰ گز و هر ضلع مقبره ۶۰ گز طول دارد (وصاف، ۱۳۷۲: ۲۳۰). با علم بر اینکه قطر مقبره اولجایتو ۲۴/۵ متر است، گز ایلخانی مورد نظر وصاف در ارایه اندازه های غزانیه در حدود ۲۵ سانتی متر خواهد بود (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۳۷). مطابق توصیفات وصاف و ضمن تبدیل واحد "گز ایلخانی" به "متر" امروزی، آرامگاه غازان، بنایی است که ارتفاع آن از کف زمین تا زیر کتیبه گنبد در حدود ۳۲/۵ متر، ارتفاع کتیبه و تزیینات فوقانی آن ۲/۵ متر و ارتفاع گنبد ۱۰ متر است که بر روی جرزهایی به قطر تقریبی

جدول ۱. ساختار مدور آرامگاه‌های ایلخانی در آذربایجان. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵.

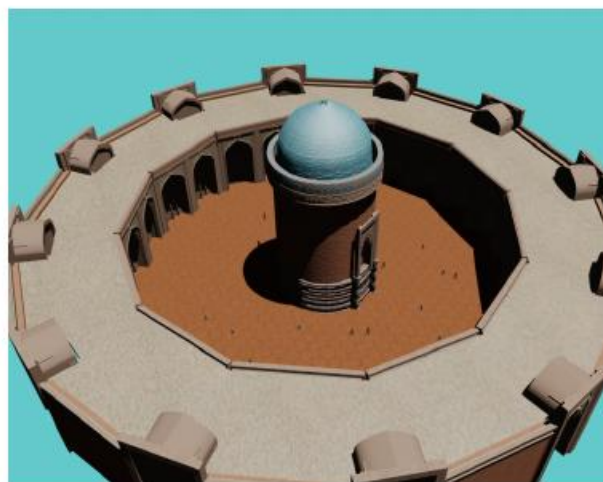
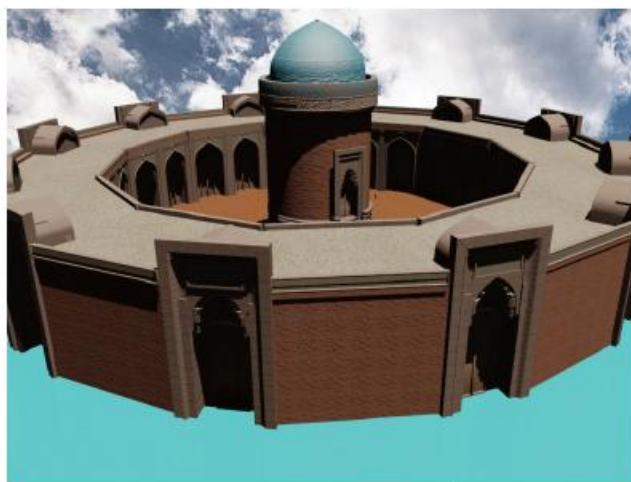
<p>طرح بازسازی شده مقبره غازان طبق ترصیفات و صاف</p>	<p>سلماس، میرخاتون (۷۲۰ ه.ق)</p>	<p>مشکین شهر، شیخ حیدر (قرن ۸ ه.ق)</p>

در تناسبات ورودی‌ها حفظ شود. چنانکه ذکر آن رفت، غازانیه شامل آرامگاه مرکزی به قطر داخلی ۲۰ متر و ارتفاع تقریبی ۴۲/۵ متر با دیوارهایی به عرض تقریبی ۳/۷۵ سانتی‌متر بوده که پیرامون آن شامل دوازده کاربری وقفی بوده است. از طرفی و صاف اندازه هر وجه داخلی مجموعه را در حدود ۲۰ متر (۸۰ گز) می‌داند (وصاف، ۱۳۷۲: ۲۲۹-۳۰). در این صورت مساحت تقریبی داخلی غازانیه در حدود ۴۵۰۰ مترمربع خواهد بود (تصویر ۸ و ۹).

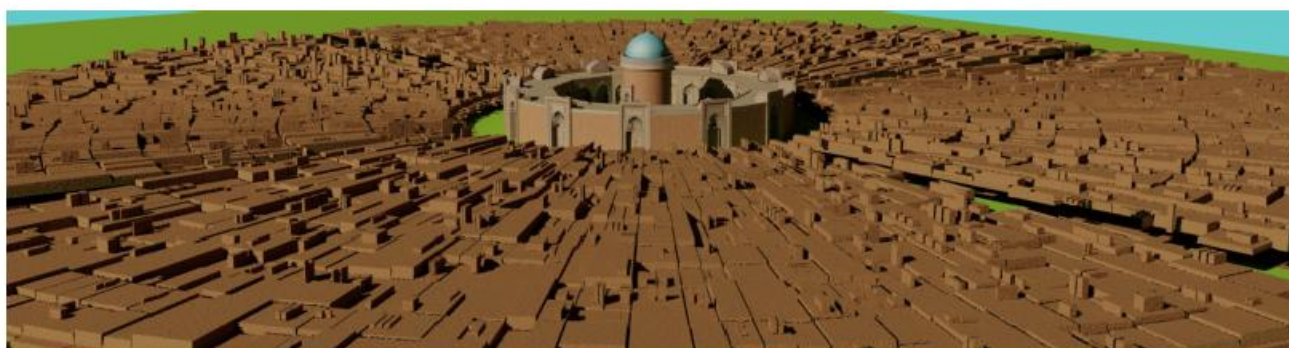
دو اشکوب است. این در حالی است که براساس مینیاتور جامع التواریخ، دوازده ورودی در پیرامون کاربری‌های وقفی "ابواب البر" وجود دارد تا بیشترین امکان دسترسی به آن امکان‌پذیر باشد. علاوه بر آن هر وجه داخلی مجموعه توسط دودهنه همسان و در یک اشکوب اشغال شده است و نه در دو اشکوب، تا مرتفع‌سازی و عظمت‌گرایی ایلخانی



تصویر ۷. طرح فرضی پرفسور جعفر اوغلو
غیائی از مجموعه غازانیه.
مأخذ: آجرلو، ۱۳۹۳.



تصویر ۸. طرح فرضی مجموعه‌ی غازییه براساس اسناد و مدارک تاریخی. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵.



تصویر ۹. موقعیت قرارگیری "ابواب البر" غازییه در بافت شهرک ایلخانی "شام غازان" براساس شواهد تاریخی و چیدمان فضایی امروزی محله‌ی غازییه در تبریز. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵.

نتیجه‌گیری

با انتخاب آذربایجان به پایتختی حکومت ایلخانی در دوره‌ی آباقا و پس از آن در دوره‌ی غازان، ساخت بناهایی برای رشد پایتخت جدید جهان اسلام تبریز ضروری شمرده می‌شد، تا جایی که نیاز به مکان‌یابی یک منطقه‌ی پر توان زیستی همانند "شام" را غیر قابل اجتناب می‌کرد. طی این دوره شهر دارای سه مرکز عمده‌ی صنعتی تجاری [کهن شهر تبریز]، اداری - سیاسی [غازانیه] و علمی - فرهنگی [رشیدیه] بوده است. در همین راستا، ایجاد تسهیلات در هر کدام از مراکز فوق، جهت پاسخ‌گویی به بافت مهاجرپذیر تبریز ضروری بوده است. همچنان که ذکر آن رفت، غازییه مشتمل بر محوریت مرکزی مقبره‌ی غازان با دوازده کاربری مشخص در ارتباط با آن و براساس طرح از قبل تعیین‌شده بوده است. در ساختار شام غازان، مقبره به جهت حفظ جاودانگی خود به صورت بخشی از یک بنیاد مشترک شکل گرفته است. بدین‌وسیله ساختار مقبره‌ی غازان می‌توانسته رفته رفته در اثر تراوش عطر تقدسی که به حق، از مسجد، مدرسه و سایر بناهای مذهبی مجاور آن انتشار می‌یافت، اعتباری در خور به دست آورد. از طرفی، گردآمدن این بناها به دور آرامگاه غازان، امنیت و مقبولیت بیشتری به وجود می‌آورد، زیرا اختصاص کاربری‌های جانبی به امور رفاهی و روحانی جامعه‌ی مسلمانان بسیار مطلوب بوده است. در حقیقت آرامگاه غازان به عنوان پل ارتباطی بین فرقه‌های مسلمان عمل می‌کرده و از سوی همه‌ی اقشار جامعه مورد احترام بوده است. این امر در سایه‌ی آزادی مذهبی موجود در ساختار دولت ایلخانی

عملی می‌شده و به ناچار چنین مجموعه‌ای می‌توانسته در زندگی جامعه نقش مرکزی بیشتری ایفا کند تا یک آرامگاه صرف. برخلاف نظرات پیشین در رابطه با فرم معماری آرامگاه غازان، مبنی بر دوازده‌وجهی بودن بنا، ساختمان مذکور حجم استوانه‌ای گنبد داری است که بر روی صغه‌ای سنگی شکل گرفته و از این منظر، با الگوی معماری مقابر ایلخانی هم‌عصر موجود در آذربایجان از جمله مقبره شیخ حیدر، میر خاتون سلماس و مقبره بردع در قراباغ آذربایجان همخوانی دارد. از طرفی، تناسبات موجود در ساختار مقبره غازان، شامل حجم معماری استوانه‌ای شکل، با قطر تقریبی ۲۰ متر، ارتفاع ۴۲/۵ متر و نسبت عرض به ارتفاع (۱/۲:۱)، با تجربه غازان در رابطه با مقبره سلطان سنجر در مرو (حدوداً ۱:۲) و تناسبات معماری گنبد سلطانیه (۱/۲:۲) قابل قیاس است. آنچه مسلم است اینکه غازییه قصد داشته از تمام برج مقبره‌های قبلی پیش افتد؛ در واقع "شام غازان" اعلامی بوده برای همه، تا اهمیت شخصی را ببینند که از او چنین یاد شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای اولین بار نخست شهر (شهر مسلط) توسط مارک جفرسون وارد مباحث جغرافیایی شد. شهر مسلط، شهری است که از نظر میزان جمعیت یا کارکرد بر دیگر شهرهای یک کشور یا ناحیه تأثیر می‌گذارد (شکویی، ۱۳۸۹: ۴۸۶). نخست شهر، معمولاً یک شهر پایتختی است که بهترین تسهیلات، نادرترین کالاها و قابل‌ترین استعدادها و ماهرانه‌ترین کارکنان در آنجا مستقر هستند (نظم‌فر و خدایی، ۱۳۹۱).
۲. در الگوی شهری کهکشان، تمرکز امکانات و زیرساخت‌ها و خدمات شهری پیرامون نخست شهر است. این در حالی است که در الگوی زنجیره‌ای بقای شهرها به لحاظ سیاسی و اقتصادی وابسته به هم و در ارتباط با یکدیگر شکل می‌گیرد (رخشانی، ۱۳۸۸: ۲).
۳. این اولین باری است که در تاریخ ایران از توجه و دقت پادشاه به مسایل مخصوص ساختمانی و هنری گفتگو می‌شود (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۹).
۴. «... هر چند ما را مرتبه صلحا نیست؛ لیکن از راه تشبیه به ایشان «ابواب البری» ساختن که جای آخرت ما باشد و بدان واسطه خیری و صدقه‌ای جاری شود تا به برکات آن رحمت خدای تعالی دستگیری کند و ثوابی دایمی مدخر شود (همدانی، ۱۳۷۳: ۹۹۷).
۵. هرچند از نظر اکثر محققان، نظام اجتماعی مغول فاقد هرگونه ساختار شهریست (حبیبی، ۱۳۸۹: ۸۰-۷۹)، با این حال و با نظر به مفهوم شهر، شامل مجموعه‌ای متشکل از گروه‌های نخستین و اتحادهای هدفمند جمعی (حناچی و پورسراجیان، ۱۳۹۱: ۱۴۶) که در آن کاربری‌ها و فعالیت‌ها مهم‌تر از بناهاست، باید شهر را وحدتی میان مفاهیم و رفتارها دانست (صدری، ۱۳۸۵: ۳). از طرفی، اگر آزدیدگاه تاریخی شهر را نقطه‌ای بدانیم که در آن بیشترین تمرکز قدرت و فرهنگ اجتماع متبلور می‌شود (قلی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۹)، «کوربان» مغولی معادل مفهوم «خیمه شهر» خواهد بود.
۶. عین این جریان را جمعی کاری در سفرنامه خود نقل کرده است (کاری، ۱۳۴۹: ۷۸).
۷. «... و از گنبد سلطان سنجر سلجوقی بمر و که معظم‌ترین عمارات عالم است و دیده بود بسیار با عظمت‌تر بنیاد نهاد (همدانی، ۱۳۷۳: ۹۹۷).
۸. نضوح، معروف به مطراقچی، مینیاتوربست و نقاش سلطان سلیمان قانونی که همراه سپاه عثمانی در تاریخ ۴۲-۹۴۰ میلادی وارد ایران شده است. نقاشی‌های اجرا شده توسط وی از شهرهای مهم ایران از جمله خوی، تبریز، زنجان و همدان سند بسیار ارزشمندی در بررسی تاریخ معماری شهرهای مذکور محسوب می‌شود (Sattarzadeh & Balilan, 2013).

فهرست منابع

- آجورلو، بهرام. ۱۳۹۳. رهیافتی تاریخی به شهرسازی و مجموعه‌های معماری تبریز عهد ایلخانی. دو فصلنامه تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، ۴ (۷) : ۱-۲۳.
- اولیاء چلبی. ۱۳۳۸. سیاحت‌نامه اولیاء چلبی. ت : حاج حسین نخجوانی. تبریز : انتشارات بیتا.
- بلالی اسکویی، آریتا و دیگران. ۱۳۹۱. سازمان قضایی شهرهای ابواب البر دوره ایلخانی. دو فصلنامه مطالعات معماری ایران، (۲) : ۴۷-۶۳.
- بلر، شیلا و بلوم، جاناتان. ۱۳۸۸. هنر و معماری اسلامی (۲). ت : یعقوب آژند. تهران : سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی.
- بهرامی، احمد. ۱۳۶۵. تبریز از دیدگاه سیاحان خارجی در قرن هفدهم. تبریز : انتشارات نور.
- پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ. ۱۳۸۹. اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ایلخانی، تاریخ ایران کمبریج، ج ۵. ت : حسن انوشه. تهران : انتشارات امیرکبیر.
- تاورنیه، ژان باتیست. ۱۳۶۹. سفرنامه تاورنیه. ت : ابوتراب نوری. تهران : انتشارات ستانی.
- تسوف، باریس یاکولویویچ ولادمیر تسوف. ۱۳۸۸. نظام اجتماعی مغول. ت : شیرین بیانی. تهران : انتشارات علمی و فرهنگی.
- جمیلی کارری جیووانی، فرانچسکا. ۱۳۴۹. سفرنامه کارری. ت : عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ. تبریز : انتشارات فرانکلین.
- حبیبی، سید محسن. ۱۳۸۹. از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر). تهران : موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- حسین‌زاده، علی. ۱۳۸۸. فرهنگ لغات ترکی. تبریز : انتشارات یاران.
- حناچی، پیروز و پورسراجیان، محمود. ۱۳۹۱. احیای بافت شهری تاریخی (با رویکرد مشارکت). تهران : انتشارات دانشگاه تهران.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام. ۱۳۳۳. تاریخ حبیب سیر فی اخبار الافراد و البشر. تهران : انتشارات خیام.
- داماساشی، هنته. ۱۳۸۳. گزارتیه در تبریز - شهرنشینی در اسلام، ج ۲. ت : مهدی افشار. تهران : دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رخشانی نسب، رضا. ۱۳۸۸. تحلیل روند تحولات سلسله مراتب شهری ایران طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۳۵. فصلنامه جمعیت، (۷۳) : ۲۵-۴۴.
- رضوی، سید ابوالفضل. ۱۳۸۸. شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان. تهران : انتشارات امیرکبیر.
- عون‌اللهی، سید آقا. ۱۳۸۹. تاریخ پانصد ساله تبریز. ت : پرویز زارع. تهران : انتشارات امیرکبیر.
- زیاری، کرامت‌الله. ۱۳۸۸. تأثیر فرهنگ در ساخت شهر (با تأکید بر فرهنگ اسلامی). نشریه جغرافیا و توسعه، (۸) : ۹۵-۱۰۹.
- صدری، حسین. ۱۳۸۵. بررسی نقش قضاهاى شهری در توسعه دموکراسی، اولین همایش بین‌المللی شهر برتر - طرح برتر. همدان : سازمان عمران شهرداری همدان.
- شاردن، ژان. ۱۳۴۹. سیاحت‌نامه شاردن. ت : محمد عباسی. ج ۲. تهران : انتشارات امیرکبیر.
- شکاری نیری، جواد. ۱۳۸۴. یافته‌هایی از طرح شتب غازان، پدیده - شهری عصر ایلخانی به نام ابواب‌البر. نشریه هنرهای زیبا، (۲۴) : ۷۳-۸۰.
- شکویی، حسین. ۱۳۸۹. دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. تهران : انتشارات سمت.
- علی اصل، پرویز و یوسفی فر، شهرام. ۱۳۹۰. گزارتیه تبریز نماد تحول فرهنگی مغولان. نشریه تاریخ و تمدن اسلامی، ۷ (۱۳) : ۶۵-۸۲.
- قلی‌نژاد، علیرضا، خیراللهی، افسر و اشرفی، مهناز. ۱۳۸۸. ضوابط عمومی مداخله در بافت‌های تاریخی. تهران : سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- قنبری، ابوالفضل و حسین‌زاده، دلیر. ۱۳۸۴. تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی. نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، (۵) : ۱۴-۲۰.
- گروسه، رنه. ۱۳۸۸. امپراطوری صحرا نوردان. ت : عبدالحسین میکده. تهران : شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- محمد پادشاه. ۱۳۶۶. فرهنگ آندراج، مصحح محمد دبیر سیاقی. جلد چهارم. تهران : انتشارات خیام.
- مطراقچی، نصح. ۱۳۷۹. بیان منازل. ترجمه و تعلیق : رحیم رییس‌نیا. تهران : سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مستوفی قزوینی، حمدالله. ۱۳۳۴. تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوائی. تهران : انتشارات امیرکبیر.
- موریه، جیمز جاستی‌نین. ۱۳۸۹. سفرنامه جیمز موریه. ت : ابوالقاسم سری. تهران : نشر توس.
- نادر میرزا. ۱۳۷۳. تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز. به تصحیح غلامرضا طباطبایی. تهران : انتشارات ستوده.
- نظم‌فر، حسین و خدائی، سارا. ۱۳۹۱. نظام شهری متعادل و نقش آن در توسعه متوازن مناطق. دومین همایش راهکارهای توسعه اقتصادی با محوریت برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه آزاد ستندهج : دانشکده علوم انسانی.
- وصاف الحضرة، شهاب‌الدین عبدالله و شیرازی، عزالدین فضل‌الله. ۱۳۷۲. تاریخ وصاف. تهران : انتشارات ابن سینا.

- ویلبر، دونالد نیوتن. ۱۳۶۵. *معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان*. ت : عبدالله فریار. تهران : بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- هال، مری. ۱۳۹۱. *امپراطوری مغول*. ت : نادر سمیعی. تبریز : انتشارات شایسته.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله. ۱۳۷۳. *جامع التواریخ، تصحیح و تحشیه* : محمد روشن و مصطفی موسوی، ج ۲، چاپ اول. تهران : انتشارات البرز.
- همدانی، رشیدالدین ضل الله. ۱۳۵۸. *تاریخ مبارک غازی*. به اهتمام کارل یان و هرتفورد. لندن : نشر ستفن اوستین.
- هیلن براند، رابرت. ۱۳۹۱. *معماری اسلامی*، ت : ایت الله زاده شیرازی، باقر. ویراستار : صالح طباطبایی. تهران : انتشارات روزنه.

Reference list

- Giyasi, J. A. (1985). *Yaxın Uzaq Ellərdə*. Baku: Azerbaijan National Academy of Sciences.
- Giyasi, J. A. (1997). *Me'mar XacəƏlişah Təbrizi: Dövrü & Yaradıcılığı*. Baku: Azerbaijan National Academy of Sciences.
- Pashaei, F. & Omrani, B. (2013). Structure of wooden domes in North West of Iran. *Journal of Advances in Enviromental Biology*, 7 (13): 4486-4495.
- Paskaleva, E. (2012). *The Silk Road. International Institute for Asian Studies*. GJ Leiden: Leiden Publication.
- Sattarzadeh, D. & Blilan, L. (2013). Review Drawn Miniatures of Tabriz City by Nasuh in 16th Century. *International Journal of Architecture and Urban Development*, 3 (3): 75-82.